

روش تربیتی یادآوری نعمت‌ها

هادی حسین‌خانی نایینی*

چکیده

مشکلات انسان همیشه ناشی از ندانستن نیست، بلکه در موارد بسیاری ناشی از غفلت، فراموشی و بی‌توجهی است. بنابراین، یکی از وظایف مرتبی تذکر و غفلت‌زدایی از مرتبی است و باید با یادآوری آنچه مرتبی می‌داند، زمینه رفع مشکلات او را فراهم سازد. یکی از ابعاد تذکر، یادآوری نعمت‌های الهی است. هدف پژوهش حاضر آن است که ابعاد گوناگون روش تربیتی یادآوری نعمت‌ها مانند اهمیت، انواع و آثار و نتایج آن را مورد بررسی قرار دهد. این تحقیق توصیفی بوده و به روش کتابخانه‌ای انجام شده است و از آن حاصل می‌شود که مرتبی آگاه باید با استفاده از شیوه‌های گفتاری، نوشتاری و رفتاری، مرتبی خود را متذکر انواع نعمت‌های ظاهری و باطنی پروردگار نماید. آثار و نتایج این روش سودمند تربیتی فراوان است که از جمله آنها می‌توان به حمد و شکرگزاری خداوند، عشق و محبت به او، عبادت، تقوا، بازگشت به مسیر صحیح، امیدواری و فلاح و رستگاری اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: تذکر، نعمت، یادآوری نعمت‌ها، شکر.

مقدمه

اهمیت روش

خداوند مهربان نعمت‌های بسیار گسترده‌ای به انسان عطا فرموده است، اما غفلت و فراموشی آفت بزرگی است که انسان را دچار خود کرده است. یادآوری نعمت‌ها روش تربیتی بسیار مؤثری است که مریبان بزرگ بشریت یعنی خداوند و انبیا و اولیا آن را به طور گسترده مورد استفاده قرار داده‌اند و سایر مریبان نیز باید با الهام گرفتن از آنان این شیوه را به کار برند.

با توجه به اهمیت روش مذکور و پژوهش‌های اندک انجام شده در مورد آن، نیاز به تحقیقی مستقل در خصوص روش تربیتی یادآوری نعمت‌ها احساس شد. در تحقیق حاضر که به هدف بررسی ابعاد این روش تربیتی انجام شده، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. «نعم» به معنای رفاه و پاکی و مطلوبیت زندگانی است^(۱) و «نعمت» که برای نوع به کار می‌رود، به نوع خاصی از آن دلالت دارد.^(۲) در این نوشتار، منظور از نعمت، نعمت‌های خداوند است. «ذکر» نیز به معنای به یاد داشتن است که در مقابل غفلت و فراموشی استعمال می‌شود.^(۳)

بر این اساس، یادآوری نعمت‌ها به معنای آن است که مرتبی متذکر نعمت‌های بیکران خداوند به مرتبی شود. در این روش، مرتبی غفلت کنونی فرد یا جمع را در پرتو نعمت‌هایی که در گذشته به آنان عطا شده می‌زداید و در او شور و رغبت تازه‌ای برای عمل فراهم می‌سازد. در این شیوه، مرتبی باید تنگناها و گشایش‌های زندگی مرتبی را در خاطر او زنده کند و او را برای به ثمر رساندن گشایش‌ها و نعمت‌هایی که در اختیار اوست فراخواند و به راه اندازد.^(۴)

الف. یکی از دلایل مهم ارزش و اهمیت این روش تر تأکید پی‌در پی قرآن به یادآوری نعمت‌های الهی است. برخی از آیاتی که موضوع تذکر و به یاد داشتن نعمت خداوند را مورد تأکید قرار داده‌اند، عبارتند از:

- ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ﴾

ای مردم! نعمتی را که خدا به شما داده است، من شوید.

- ﴿وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ﴾؛^(۶) و به یاد

نعمت‌های خدا را بر خود.

- ﴿وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءَ ذٰ

بَيْنَ قُلُوبِكُمْ﴾؛^(۷) و نعمت خدا را بر خود به

آوردید که شما با هم دشمن بودید، پس خدا دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت.

- ﴿فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُشْكُرُونَ﴾؛^(۸)

نعمت‌های خدا را به یاد آرید، شاید که برسد شوید.

- ﴿فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَغْفُوا فِي الْأَرْ

ضُفْسِ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾؛^(۹) پس نعمت‌های خدا را یاد کنید و

زمین به فساد و تب‌کاری برنخیزید.

دستورات مکرر خداوند متعال مبنی بر متذکر شدن الطاف بیکران او، دلیل روشنی است بر اهمیت این روش در رشد معنوی انسان‌ها.

ب. دلیل دیگری که بر اهمیت این روش تربیتی صدق می‌گذارد، فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام در این زمینه است. آن حضرت یکی از اهداف اساسی بعثت پیامبران الهی یادآوری نعمت‌های خدا برای مردم دانسته‌اند:

«بِعَثِّ فِيهِمْ رَسَلَهُ وَاتْرَ الْيَهُمِ انبِيَانَهُ، لِيَسْتَأْدُو

مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَيَذْكُرُوهُمْ مَنْسَى نِعْمَتِهِ»؛^(۱۰) و پی

پی رسولان خود را به سوی آنان فرستاد تا پی

روزیات ساخته، و نعمت باطنی آن است که اعمال بد تو را پوشانده و تو را مفتضح نساخته است. (۱۳)

امام باقر علیه السلام نیز در روایتی به بیان مصداقی دیگر از نعمت ظاهری پرداخته‌اند:

نعمت ظاهری، پیامبر صلی الله علیه و آله و رهاوردهای او از قبیل شناخت خدای - عزّ و جلّ - و توحید او می‌باشد و

نعمت باطنی، ولایت ما اهل بیت پیامبر و مودت قلبی ما. (۱۴)

امام کاظم علیه السلام ضمن بیانی دیگر از مصداق این تقسیم‌بندی، هر دو نوع نعمت را در حیطة امامت تفسیر کرده‌اند: «نعمت ظاهری امام ظاهر و نعمت باطنی امام غایب است.» (۱۵)

در هر حال، همه موارد مزبور می‌توانند نمونه‌هایی از نعمت‌های ظاهری و باطنی به شمار آیند که یادآوری آنها تأثیرات تربیتی شگرفی بر مرتبى بر جای خواهد گذاشت. علاوه بر تقسیم‌بندی نعمت‌ها به دو بخش ظاهری و باطنی، بر اساس تحقق آنها در فرد یا جامعه، می‌توان آنها را به نعمت‌های فردی و اجتماعی نیز تقسیم کرد. نمونه یادآوری نعمت‌های فردی، آیاتی است که شخص پیامبر صلی الله علیه و آله را متذکر الطاف الهی به او می‌کند:

﴿أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَفْهَرُ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرُ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾؛ (۱۶) آیا خدا تو را یتیمی نیافت که در پناه خود جای داد و تو را ره گم کرده یافت و راهنمایی کرد و تو را فقیر یافت و توانگر کرد، پس تو هم یتیم را هرگز میازار و فقیر سائل را به زجر مران، و اما نعمت پروردگارت را بازگو.

در حیات جمعی نیز یادآوری نعمت‌ها مصداق متعددی دارد. آیه ذیل که جامعه اسلامی را متذکر نعمت وحدت و

نظرت را از آنان مطالبه نمایند و نعمت‌های فراموش شده را به یاد آنها آورند.

گویا موضوع تذکر در مورد نعمت‌های الهی تا آنجا مهم است که خداوند برای انجام این رسالت خطیر فرستادگان خویش را مبعوث کرده است.

انواع نعمت‌ها

نعمت‌های الهی انواع بسیار متعدد و متنوعی داشته، غیر قابل شمارش می‌باشند؛ چراکه خدای متعال خود فرموده:

﴿وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَأَتُخْضَوْنَ﴾؛ (۱۱) و اگر نعمت‌های خدا را بشمارید، هرگز نمی‌توانید آنها را احصا کنید.

ولی خداوند نعمت‌های بیکران خویش را به دو بخش نعمت‌های ظاهری و باطنی تقسیم کرده است:

﴿أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾؛ (۱۲) آیا ندیدید خداوند آنچه را در آسمان و زمین است، مسخّر شما کرده و نعمت‌های ظاهری و باطنی خود را بر شما گسترده و افزون ساخته است؟

سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که منظور از نعمت‌های ظاهری و باطنی چیست که یادآوری هر دو نسیم آن روشی مؤثر در تربیت اخلاقی و معنوی محسوب می‌شود؟ در روایات معصومان علیهم السلام به مصداقی از این دو گونه نعمت برمی‌خوریم که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سخنی با ابن عباس به توضیح نعمت‌های ظاهری پرداخته، فرمودند:

ای فرزندان عباس! اما نعمت ظاهری، اسلام و آفرینش نیکوی تو و رزقی است که خداوند

رَبِّكَ فَحَدِّثْ؛ و اما نعمت پروردگارت را بازگو کردی از امام حسین علیه السلام پرسید: این فرمایش الهی ﴿وَأَنْبِئِمَكَ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾ یعنی چه؟ حضرت فرمود: «اگره» یحادث بما انعم الله به عليه في دينه؛^(۱۹) به فرستاده خبر فرموده تا نعمت‌هایی که در دین بدو داده بر زبان جار سازد و به مردم بگوید.

یادآوری نوشتاری

در این نوع از یادآوری که شباهت زیادی به یادآوری گفتاری دارد، فرد با زبان قلم به واگویی نعمت‌های الهی می‌پردازد؛ مانند آنجا که امیرالمؤمنین علیه السلام در پاسخ به نامه معاویه، بر اساس دستور پروردگار در آیه پیشین، متذکر نعمت‌های خداوند می‌شوند:

مگر نمی‌بینی - نه اینکه بخواهم خیرت دهم، بلکه به عنوان شکر و سپاسگزاری نعمت خداوند می‌گویم جمعیتی از مهاجرین و انصار در راه خدا شریعت شهادت نوشیدند و هر کدام دارای مقام و مرتبتی بودند، اما هنگامی که شهید ما (حمزه) شهید شد، به او گفته شد «سیدالشهدا» و رسول خدا هنگام نماز بر وی (به جای پنج تکبیر) هفتاد تکبیر گفت و نیز مگر نمی‌دانی گروهی دستشان در میدان جهاد قطع شد که هر کدام مقام و منزلتی دارند، ولی هنگامی که این جریان درباره یکی از ما انجام شد، لقب طیار به او داده شد؛ آن کس که در آسمان بهشت با دو بال خود پرواز می‌کند.^(۲۰)

یادآوری رفتاری

منظور از یادآوری رفتاری آن است که فرد رفتاری از خود بروز دهد که نوعی یادآوری و تذکر به شمار آید؛ مانند آنکه نعمت‌های الهی را مورد استفاده قرار داده و آنها را آشکار سازد.

ثمره شیرین آن ساخته، از هرگونه اختلاف و تشتت برحذر می‌دارد:

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾^(۱۷)

انواع یادآوری‌ها

همچنان‌که نعمت از گونه‌های متعددی برخوردار است، یادآوری آن نیز به صورت‌های مختلفی امکان‌پذیر می‌باشد. برخی از آنها عبارتند از:

یادآوری ذهنی

در این‌گونه از یادآوری، فرد با انجام عملیاتی ذهنی متذکر نعمت‌های خداوند گشته و با مرور ذهنی آن، از نتایج ارزشمندش برخوردار می‌گردد. برای مثال، امام علی علیه السلام تفکر مردم درباره نعمت‌ها را مفید و موجب فاصله گرفتن ایشان از گناه می‌دانند:

«و لو فكروا في عظيم القدرة و جسيم النعمة لرجعوا الى الطريق و خافوا عذاب الحريق»^(۱۸) و اگر مردم در قدرت عظیم الهی و نعمت‌های بزرگ او می‌اندیشیدند، قطعاً به راه صواب باز می‌گشتند و از عذاب جهنم نگران می‌شدند.

یادآوری گفتاری

گونه دیگر یادآوری، با سخن گفتن از عطایای الهی همراه است و ذکر گفتاری نیز می‌تواند زمینه را برای ذکر قلبی فراهم سازد. خدای متعال در آیه پایانی سوره «ضحی» خطاب به فرستاده عزیز خویش می‌فرماید: ﴿وَأَمَّا بِنِعْمَةِ

روش‌های بسیار سودمند تربیتی قرار گرفته است. در اینجا به اجمال برخی از این نتایج را مرور می‌کنیم:

۱. حمد پروردگار

«حمد» در مقابل ذم است و در فارسی از آن تعبیر به «ستایش» می‌کنند؛ همچنان‌که در فارسی به عنوان معادل کلمه «شکر» واژه «سپاس» را به کار می‌برند. (۲۴) ستایش خدای متعال از نخستین آثار یادآوری نعمت‌های او به شمار می‌رود. توجه کردن به نعمت‌های گسترده الهی موجب می‌گردد فرد بی‌اختیار زبان خویش را به حمد و ثنای پروردگار بگشاید و از خدای خویش به نیکی یاد کند. امام علی علیه السلام خطاب به مردم، ضمن توجه دادن ایشان به گوشه‌ای از نعمات فراگیر الهی، آنها را به حمد زیاد او فرامی‌خوانند:

«أوصيكم ايها الناس بتقوى الله وكثرة حمده على آلائه اليكم ونعمانه عليكم وبلائه لديكم فكم خصكم بنعمة وندارككم برحمة اعورتم له فستركم و تعرضتم لآخذة فأهلكم»؛ (۲۵) ای مردم! من شما را به تقوای خداوند و حمد فراوان بر نعمت‌ها و احسان و رحمتش که بر شما فرو باریده است، سفارش می‌کنم. چه بسیار نعمت‌هایی که ویژه شما قرار داد و شما را به رحمت خویش مورد عنایت خاص گردانیده؛ شما عیب‌های خود را آشکار کردید و او پوشاند، و خود را در معرض مؤاخذه او قرار دادید، اما به شما مهلت داد.

۲. شکرگزاری

همچنان‌که غفلت و فراموشی نعمت‌ها زمینه را برای ناسپاسی فراهم می‌سازد، به خاطر آوردن الطاف، بی‌شمار الهی نیز موجبات شکر و سپاس بنده از خدای خویش را

امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه‌ای به حارث همدانی فرمودند:

«و استصلح كل نعمة انعمها الله عليك و لاتضيعن نعمة من نعم الله عندك و لير عليك اثر ما انعم الله به عليك»؛ (۲۱) هر نعمتی که به تو داد، نیکو دار و هیچ نعمتی از نعمت‌ها را ضایع و تباه مساز و باید اثر نعمت‌هایی که خدا به تو داده در تو دیده شود. همچنین امام صادق علیه السلام در توضیح اهمیت آشکارسازی نعمت‌ها می‌فرمایند:

«إذا انعم الله على عبده بنعمة فظهرت عليه سمي حبيب الله محدثا بنعمة الله و إذا انعم الله على عبد بنعمة فلم تظهر عليه سمي بغيب الله مكذبا بنعمة الله»؛ (۲۲) هر گاه خدا بر بنده‌اش نعمتی عطا کند و این نعمت بر او ظاهر شود، وی حبيب خدا و گوینده نعمت او نامیده می‌شود و هر گاه نعمتی بر بنده‌ای ارزانی دارد ولی بر او آشکار نشود، او دشمن خدا و تکذیب‌کننده نعمت او شمرده می‌شود.

آن حضرت در حدیثی دیگر می‌فرمایند:

«انی لاكره للرجل ان يكون عليه نعمة من الله فلا يظورها»؛ (۲۳) من ناخشنودم از اینکه فردی از نعمتی الهی برخوردار باشد، ولی آن را ظاهر نسازد. تحقق یادآوری در همه موارد مزبور در خصوص متربی ممکن است. مربی نیز می‌تواند به صورت گفتاری، نوشتاری و رفتاری زمینه تذکر را برای متربی خویش فراهم سازد.

آثار و نتایج یادآوری نعمت‌ها

به خاطر آوردن عطایای ربوبی، آثار و برکات ویژه‌ای دارد. به دلیل همین آثار گرانبهاست که این روش در زمره

مهیامی کند. «شکر» از نظر لغوی به معنای اظهار تقدیر و تجلیل در برابر نعمت ظاهری و معنوی است که از منعم به فرد برسد. (۲۶) امام خمینی علیه السلام در کتاب چهل حدیث خود شکر را اینگونه تعریف کرده‌اند: «شکر عبارت از یک حالت نفسانیه است که در اثر معرفت منعم و نعمت، و اینکه آن نعمت از منعم است، به وجود می‌آید.» (۲۷)

استاد شهید مرتضی مطهری نیز در توضیح دقیق معنای شکر می‌فرمایند:

معنی شکر این است که انسان در مقابل فردی که از او چیزی به وی رسیده است اظهار قدردانی کند و مثلاً بگوید: من ممنون هستم. آیا معنی شکر خدا همین است که بگوییم: «الهی شکر»؟ این صیغه شکر است نه خود شکر. خود شکر چیز دیگری است. و آن یک معنای دقیقی دارد که عبارت است از: قدردانی، اندازه‌شناسی و حق‌شناسی. بنده اگر بخواهد قدرشناس و شاکر باشد باید قدر نعمت‌های خدا را بداند؛ یعنی هر نعمتی را بداند برای چه هدفی و منظوری است و در همان مورد مصرف کند؛ مثلاً، در مورد زبان، فهماندن مقاصد خود به دیگران، تعلیم، ارشاد و نصیحت، شکر زبان است نه اینکه با زبان دروغ بگوید، تهمت بزند، به مردم آزار رساند، دشنام دهد و اشاعه فحشا کند. (۲۸)

بنابراین، معنای شکر قدردانی، اندازه‌شناسی و حق‌شناسی در مورد نعمت‌های خداوند است. با مراجعه به سیره اهل بیت علیهم السلام مشاهده می‌کنیم که آن بزرگواران زیاد نعمت‌های الهی را یاد می‌کردند و آن را زمینه شکرگزاری از خداوند قرار می‌دادند. هشام بن احمر می‌گوید: در اطراف مدینه به همراه امام موسی کاظم علیه السلام حرکت می‌کردم که حضرت از مرکب خود به زیر آمد و به سجده

افتاد. سجده به طول انجامید تا آنکه حضرت سر بلند کرد و سوار بر مرکب گردید. عرض کردم: فدایت شوم، چه سجده شما طولانی شد؟ فرمود: «اثنی ذکر نعمة الله بها علی فاحببت ان اشکر ربی»؛ (۲۹) به یاد یکی از نعمت‌هایی افتادم که پروردگار ارزانی‌ام داشته بود دوست داشتم شکر آن نعمت را به جای آورم.

امام کاظم علیه السلام این روش را از پدر بزرگوارش اما صادق علیه السلام آموخته‌اند که فرمودند:

هرگاه یکی از شما نعمتی از نعمت‌های خداوند را به یاد آورد، باید در مقام سپاس‌گزاری از خدا گوید: خود را بر خاک نهد؛ اگر او سوار بر مرکب است، اگر مرکب خود پیاده شود و بر خاک سجده کند و اگر برای پرهیز از شهرت نمی‌تواند پیاده شود، گوید: خویش را بر قسمت مقدم زین قرار دهد و اگر قادر بر آن هم نیست، گونه خود را بر کف دستش قرار داده، خدا را بر نعمت‌هایی که به او عطا نموده ستایش کند. (۳۰)

یاد نعمت‌ها زمینه شکر و قدرشناسی از آن را فراهم کرد و موجب می‌شود تا فرد بهتر بتواند گوشه‌ای از عطایای خداوند را به دیگران معطوف سازد.

با توجه به همین تأثیر است که خدای سبحان الطاف خود را به یاد رسول برگزیده خویش آورده، می‌فرماید:

﴿أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَىٰ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ﴾؛ (۳۱) آیا او تو را یتیم نیافت و پناه داد؟! و تو را گم‌شده یافت و هدایت کرد، و تو را فقیر یافت و بی‌نیاز نمود. حال که چنین است، یتیم را تحقیر مکن، و سؤال‌کننده را از خود مسران، و نعمت‌های پروردگارت را بازگو.

۳. محبت و عشق به خداوند

عشق و محبت یکی از خصوصیات آدمی است که در پرتو آن، صفات معشوق به طور ناخواسته در شخص عاشق تجلی می‌یابد. بر این اساس، اگر فردی به موجودی با کمال محبت ورزد، کمال محبوب به وی تشری می‌یابد و بنابراین محبت خود را معطوف به موجودی پست و پاری از کمالات ارزشمند سازد، در اندک زمانی تجلی صفات وی را در خود احساس خواهد کرد. جابر جعفی - امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:

«إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ فَيْكَ خَيْرًا فَانظُرْ إِلَى قَلْبِكَ فَإِنْ كَانَ يُحِبُّ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - وَ يَتَمَنَّى أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَبَيْكَ خَيْرٌ وَاللَّهُ يُحِبُّكَ وَإِذَا كَانَ يَتَمَنَّى أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَ نَحِبُّ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَلَيْسَ فَيْكَ خَيْرٌ وَاللَّهُ يُبْغِضُكَ وَ النَّوْمُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ»؛ ^(۳۲) هر گاه می‌خواهی بدانی در تو خیری هست به دلت نگاه کن، اگر بندگان مطیع خدا را دوست می‌داری و معصیت‌کاران را از خود طرد می‌کنی، در تو خیری وجود دارد و خداوند شما را دوست می‌دارد. اما از آن طرف، اگر مشاهده کردی دلت همواره با معصیت‌کاران می‌باشد و به آنها تمایل دارد و با دوستان خدا و اهل طاعت بتقاضی و کینه نموده و آنها را دوست نمی‌داری، بدان در تو خیری نیست و خداوند دشمن تو می‌باشد، و آدمی با کسی که دوست دارد محشور است.

این حدیث روشن می‌شود که عشق و محبت به خداوند متعال رمز آراسته شدن فرد به صفات الهی است و می‌تواند با تقویت محبت خویش به خدا بدون ساس ملالت و دشواری، خود را مزین به صفات شمند الهی سازد. اما سؤال اساسی این است که چگونه بتوان عاشق خدا شد و محبت واقعی او را در دل خود یاد داد؟

این سؤالی است که پیامبران بزرگی همچون داود و

موسی علیه السلام از خدای خویش پرسیده‌اند. آن‌گاه که خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد:

«احببني و حبيبي الي خلقي. قال موسى: يا رب انك لتعلم انه ليس احد احب الي منك، فكيف لي بقلوب العباد؟ فاحي الله اليه: فذكروهم نعمتي و آلاي فأنهم لا يذكرون مني انا خيرا»؛ ^(۳۳) مرا دوست بدار و مرا محبوب مخلوقاتم گردان. موسی گفت: پروردگارا تو می‌دانی که کسی محبوب‌تر از تو در نزد من نیست. اما چگونه دل بندگانت را متوجه تو سازم؟ پس خدا به او وحی کرد: نعمتم را به یاد ایشان آور که آنان مرا جز به خیر یاد نخواهند کرد.

خداوند متعال در پاسخ به همین سؤال حضرت داود نیز رمز محبت خدا را خاطر نشان کردن نعمت‌ها برای مردم دانسته است:

«اذكروهم اياي عندهم، فانك اذا ذكرت ذلك لهم احبوني»؛ ^(۳۴) نعمت‌های مرا به یاد ایشان آور؛ چرا که هر گاه چنین کنی مرا دوست خواهند داشت. اینکه در ادعیه شورانگیزی همچون «مناجات شعبانیه»، دعای «عرفه»، دعای «کمیل» و دعای «ندبه» از این روش استفاده شده، دلیل بر اهمیت آن در جهت تشدید محبت الهی است.

۴. عبادت

به خاطر آوردن نعمت‌های خداوند زمینه را برای عبادت و بندگی او فراهم می‌سازد. از این رو، خدای متعال پس از متذکر شدن اعطای نعمت کوثر به پیامبر خویش، او را به انجام عباداتی همچون نماز و قربانی فرامی‌خواند:

«إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ»؛ ^(۳۵) ما

به تو کوثر [خیر و برکت فراوان] عطا کردیم! پس برای پروردگارت نماز بخوان و قربانی کن!

این نکته نیز روشن است که عبادتی که با یاد نعمت‌های خداوند و به شکرانه آن تحقق یابد، برترین نوع عبادت محسوب می‌شود؛ چنان‌که امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند:

«إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَيَلْكَ عِبَادَةُ الشَّجَارِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَيَلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَيَلْكَ عِبَادَةُ الْأَخْرَارِ»؛ ^(۳۶) گروهی در عبادت و اطاعت انگیزه رغبت و میل دارند و برای دست‌یابی به منافع اخروی خدا را عبادت می‌نمایند که این رقم عبادت، عبادت تجار و بازرگانان است که هدف سودجویی است. گروهی دیگر به خاطر ترس از عذاب، خدا را عبادت می‌کنند، این هم عبادت بردگان است. گروهی هم از روی شکر و انگیزه سپاس از نعمت‌های فراوان خداوندی عبادت خود را انجام می‌دهند و این عبادت آزادمردان است.

۵. تقوا

تقوا به معنای محافظت از نفس در برابر چیزی است که از آن می‌ترسد. ^(۳۷) در مورد چیستی حقیقت تقوای الهی ابوبصیر از امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ» ^(۳۸) (از مخالفت با خدا بترسید، چنان‌که سزاوار ترسیدن از اوست) سؤال نمود. آن حضرت فرمودند:

«يَطَّاعُ فَلَا يُغْصَىٰ وَ يُذَكَّرُ فَلَا يُنْسَىٰ وَ يُشْكِرُ فَلَا يُكْفَرُ»؛ ^(۳۹) همواره مطیع اوامر الهی بودن و هرگز گناه نکردن، پیوسته به یاد خدا بودن و هیچ‌گاه او را فراموش نکردن، همه نعمت‌های خدای را سپاسگزار بودن و هرگز ناسپاسی نکردن.

یاد نعمت‌های الهی حیایی ایجاد می‌کند که فرد را از ارتکاب گناه باز می‌دارد. امام علی علیه السلام در بیان ارتباط یاد کردن نعمت‌ها و تقوا می‌فرماید:

«فَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي نَفَعَكُمْ بِمَوْعِظَتِهِ وَ عَظَمَكُمْ بِرِسَالَتِهِ وَ اِمْتَنَّ عَلَيْكُمْ بِنِعْمَتِهِ»؛ ^(۴۰) پس بترسید از خدایی که شما را از موعظت خود بهره‌مند ساخت، و با فرستادن - پیامبرانش - پند داد، و با نعمت خود رشته منت به گردنتان انداخت.

در حدیثی دیگر، آن حضرت خودداری از گناه را کمترین حقی می‌دانند که فرد موظف به رعایت آن در برابر نعمت‌های الهی است:

«أَقْلَ مَا يَلْزِمُكُمْ اللَّهُ أَلَّا تَسْتَعِينُوا بِنِعْمَةِ عَلِيٍّ مَعَاصِيَهُ»؛ ^(۴۱) کمترین چیزی که باید شما آن را ملاحظه کنید آن است که با نعمت‌های خداوند او را نافرمانی نکنید.

تأثیر به خاطر آوردن نعمات الهی در پیش‌گیری از گناه، به خوبی در داستان حضرت یوسف علیه السلام قابل مشاهده است. خداوند این ماجرا را چنین ترسیم می‌کند:

«وَ رَأَوْدَتَهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَ غَلَقَتِ الْأَبْوَابَ وَ قَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ»؛ ^(۴۲) و آن زن که یوسف در خانه او بود، از او تمنای کامجویی کرد؛ درها را بست و گفت: بیا (به سوی آنچه برای تو مهیاست!) (یوسف) گفت: پناه می‌برم به خدا! او صاحب نعمت من است؛ مقام مرا گرامی داشته؛ مسلماً ظالمان رستگار نمی‌شوند!

بنابراین، در موقعیتی که همه چیز برای ارتکاب گناه فراهم بود، یاد نعمت خدا که او را از قعر چاه به اوج رسانده بود، مانع انجام نافرمانی خدا شد.

۶ بازگشت به راه راست

گاه ممکن است که فرد نتوانسته باشد خود را از انجام عصیت بازدارد. حتی در این شرایط نیز تذکر الطاف خداوند می‌تواند او را از ادامه مسیری که برگزیده، باز دارد به مسیر صحیح هدایت کند.

حضرت علی علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند:

«و لو فكروا فی عظیم القدرة و جسیم النعمة لرجعوا الى الطريق و خافوا عذاب الحریق»؛^(۴۳) و اگر این مردم در عظمت قدرت و بزرگی نعمت او می‌اندیشیدند به راه راست بازمی‌گشتند و از آتش سوزان می‌توسیدند.

۷. امیدواری

دی که متذکر نعمات گسترده الهی، در سراسر عمر شسته خویش است، دغدغه‌ای در مورد آینده نداشته و با سال امیدواری به آینده می‌نگرد. امید به آینده که در پرتو آوری نعمت‌ها میسر می‌شود، منحصر به زندگی کوتاه وی نیست و حیات جاودان پس از مرگ را نیز دربر گیرد. بر این اساس، در ادعیه پرشور معصومان علیهم السلام آمده می‌کنیم که آن بزرگواران هرگونه نگرانی در مورد ده را با نگاه به گذشته سرشار از لطف الهی، از دل زدایند. برای مثال، ائمه اطهار علیهم السلام در مناجات دلنشین مبنایه چنین زمزمه می‌کنند:

«الهی لم یزل برك علی ایام حیوتی فلا تقطع برك عتی فی مماتی. الهی کیف آیس من حسن نظرک لی بعد مماتی و انت لم تُؤلنی آسا الجمیل فی حیاتی»؛^(۴۴) خدایا پیوسته در دوران زندگی نیکی تو بر من می‌رسد، پس نیکی‌ات را در هنگام مرگ از من بگیر. خدایا من چگونه مأیوس شوم از اینکه پس از مرگ مورد حسن نظر تو واقع گردم، در

صورتی که در دوران زندگی‌ام جز به نیکی سرپرستی‌ام نکرده‌ام.

این شیوه معصومان علیهم السلام الگوی مناسبی برای مربیان و مشاورانی است که با ناامیدی و افسردگی مترتی و مراجع خویش مواجه شده‌اند.

۸. فلاح و رستگاری

نتیجه نهایی یادآوری نعمت‌ها فلاح و رستگاری است. «فلاح» به معنای نجات از شرور و ادراک خیر و صلاح است که معادل آن در فارسی، واژه «پیروزی» می‌باشد.^(۴۵) آثار و برکات پیش گفته که در اثر به خاطر آوردن نعمت‌ها حاصل شده بود، زمینه موفقیت نهایی و نیل به سعادت را برای مترتی فراهم می‌سازد. از این رو، خداوند متعال به بندگان ذاکر بشارت می‌دهد و می‌فرماید: ﴿فَادْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾؛^(۴۶) پس نعمت‌های خدا را به یاد آورید، شاید رستگار شوید!

نتیجه‌گیری

روش یادآوری نعمت‌ها به این دلیل از مؤثرترین روش‌ها در تربیت اخلاقی و معنوی انسان به شمار می‌رود که طبق این روش، مترتی می‌کوشد:

- غفلت مترتی را نسبت به الطاف گسترده خداوند برطرف ساخته و با متذکر ساختن او به انواع نعمت‌های ظاهری و باطنی، او را ستایشگر و سپاسگزار خداوند گرداند.
- عشق و محبت عمیق الهی را در دل او ایجاد و تقویت کرده، او را به عبادت پروردگار ترغیب نماید.
- توفیق تقوا و خودداری از گناه را نصیب او ساخته، امکان بازگشت از مسیر غلط را برای او فراهم آورد.
- او را به آینده امیدوار ساخته و در نهایت، زمینه موفقیت و پیروزی وی را فراهم نماید.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- احمدین فارس، معجم مقایس‌اللغه، ۱۴۰۴. ذیل واژه «نعم».
- ۲- حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ۱۳۶۸. ذیل واژه «نعم».
- ۳- همان، ذیل «ذکر».
- ۴- خسرو باقری، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، ۱۳۱۰، ص ۱۴۹.
- ۵- فاطر: ۳.
- ۶- بقره: ۲۳۱.
- ۷- آل عمران: ۱۰۳.
- ۸- اعراف: ۶۹.
- ۹- اعراف: ۷۴.
- ۱۰- نهج البلاغه، خ ۱.
- ۱۱- نحل: ۱۸.
- ۱۲- لقمان: ۲۰.
- ۱۳- فضل‌بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۲۰.
- ۱۴- همان.
- ۱۵- عبدعلی جمعه‌العروسی الحویزی، نورالثقلین، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۱۲.
- ۱۶- ضحی: ۱۱-۶.
- ۱۷- آل عمران: ۱۰۳.
- ۱۸- نهج البلاغه، خ ۱۸۵.
- ۱۹- حسن‌بن شعبه حزان، تحف‌العقول، ۱۴۰۴، ص ۲۴۷.
- ۲۰- نهج البلاغه، ن ۲۸.
- ۲۱- همان، کتاب ۶۹.
- ۲۲- محمدبن یعقوب کلینی، فروع کافی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۴۳۸.
- ۲۳- همان.
- ۲۴- حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۲۸۰.
- ۲۵- نهج البلاغه، خ ۱۸۸.
- ۲۶- حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۹۹.
- ۲۷- روح‌الله خمینی، چهل حدیث، ۱۳۶۸، ص ۲۹۴.
- ۲۸- مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۱۲.
- ۲۹- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۴، ج ۴۸، ص ۱۱۶.
- ۳۰- همان، ج ۶۸، ص ۳۵.
- ۳۱- ضحی: ۱۱-۶.
- ۳۲- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۲۴۸.
- ۳۳- همان، ج ۱۳، ص ۳۵۲.
- ۳۴- همان، ج ۱۴، ص ۳۸.
- ۳۵- کوثر: ۲۱.
- ۳۶- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۱۹۶.
- ۳۷- راغب اصفهانی، المفردات، ۱۴۱۶، ذیل واژه «وفی».

- ۳۸- آل عمران: ۱۰۲.
- ۳۹- محمدبن علی صدوق، معانی‌الاخبار، ۱۴۰۳، ص ۲۴۰.
- ۴۰- نهج البلاغه، خ ۱۹۸.
- ۴۱- همان، ج ۳۳۰.
- ۴۲- یوسف: ۲۳.
- ۴۳- نهج البلاغه، ج ۱۸۵.
- ۴۴- مفاتیح‌الجنان، اعمال ماه شعبان.
- ۴۵- حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۹، ص ۱۳۳.
- ۴۶- اعراف: ۶۹.

منابع

- ابن فارس، احمد، معجم مقایس‌اللغه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴.
- اصفهانی، راغب، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دارالفکر، ۱۴۱۶.
- باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، مدرسه، ۱۳۸۰.
- حزان، حسن‌بن شعبه، تحف‌العقول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴.
- خمینی، روح‌الله، چهل حدیث، تهران، ج ۱، ۱۳۶۸.
- صدوق، محمدبن علی، معانی‌الاخبار، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳.
- طبرسی، فضل‌بن حسن، مجمع‌البیان، تهران، المكتبة العنسیة، بی‌تا، ج ۴.
- عروسی، عبدعلی بن جمعه، نورالثقلین، قم، مطبعة العلمية، بی‌تا، ج ۴.
- کلینی، محمدبن یعقوب، فروع کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵، ج ۶.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴، ج ۱۳، ۱۴، ۴۸، ۶۶، ۶۷، ۶۸.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
- مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، تهران، صدا، ۱۳۷۱، ج ۳.